



بیانات رهبری راهبرد دولت است

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهوری در جلسه هیئت دولت با اشاره به بیانات شب گذشته رهبری، بیان کرد: «ایشان مواضع جدید نظام را تبیین کردند که این مواضع، راهبردی است که دولت به آن پایبند بوده و همین مسیر را ادامه می‌دهد، پیشرفت کشور دغدغه همیشگی ایشان است و به طور خاص بر مسئله پیشرفت، توسعه علم و فناوری و تقویت بنیه نظامی و دفاعی کشور تأکید دارند. پس از دفاع ۱۲ روزه جانانه، اولویت دولت نیز در سه سال آینده تحقق اهداف سند چشم‌انداز است که جلسات متعددی در این زمینه برگزار شده و نهادهای مختلفی فعال شدند تا حداکثر سه سال آینده به اهداف سند چشم‌انداز در زمینه فناوری‌های پیشرفته، اقتصاد و سایر بخش‌ها دست یافته و جایگاه اول در منطقه و تأثیرگذار در دنیا را کسب کنیم.»

وی همچنین با اشاره به سفر رئیس‌جمهور برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، خاطرنشان کرد: «هدف اصلی این سفر شرکت در این اجلاس سالانه و بیان مواضع بحق جمهوری اسلامی ایران است. در مجامع بین‌المللی که با حضور مقامات کشورمان برگزار می‌شود، طرف‌های مقابل حرفی برای گفتن در برابر مواضع جمهوری اسلامی ایران ندارند زیرا مواضع ما محکم، منطقی و اصولی است. مقامات کشورهای دیگر مطرح می‌کنند که مواضع ما را قبول دارند ولی در پایان یک «اما» هم مطرح می‌کنند به طور مثال در دیداری که با دبیرکل سازمان ملل اخیراً در یکی از کشورها داشتم او همه مواضع ما را پذیرفت اما در پایان هم مطرح کرد که قدرت اجرایی ندارد. در سفر رئیس‌جمهور به نیویورک یک بار دیگر مواضع کشورمان با صلابت بیان خواهد شد. دشمنان ما نتوانستند با ایران هراسی و اتفاقاتی که با هزینه سنگین انجام دادند، در مقابل ما به نتیجه برسند.»

معاون اول رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه اظهارنظر و نقد حق طبیعی هر فردی است، گفت: «درخواست من از رسانه‌ها و افرادی که درباره مسائل کشور اظهارنظر می‌کنند، این است که از پیش‌داوری و اظهارنظرهایی که ممکن است موجب تضعیف نظام شود پرهیز کنند. اگر شعاع ما وحدت و انسجام باشد، نباید برخی مسائل را مطرح کنیم. نخبگان دانشگاهی حق دارند درباره مسائل مختلف موضع‌گیری کنند ولی رعایت مسائل کشور را هم داشته باشند.»

ادامه سرمقاله

مهمترین نکته در چند جمله پایانی مقام رهبری بود که مسئله اصلی ما است. آنچه که متذکر شدند تنها راه علاج و پیشرفت کشور قوی شدن در همه ابعاد نظامی، علمی، دولتی، ساختاری و سازمانی است و در ادامه افزودند: افراد هوشمند و صاحب‌نظران دلسوز باید راه‌های تقویت کشور را پیدا و دنبال کنند. چراکه در صورت قوی شدن ایران، طرف مقابل دیگر حتی تهدید هم نمی‌کند. در واقع این گزاره‌ها جدی و محوری‌تر است. پرسش این است که ما طی ۱۴ سال گذشته (که تحریم‌های شدید شروع شده) ۴ دولت را تجربه کرده‌ایم ولی بر خلاف دودمه قبل از آن تغییر قابل توجهی در قدرت ملی ما فراهم نشده است که بتواند چنین شرطی را محقق کند. بنابراین مسئله اصلی این است که چگونه و در چه شرایطی می‌توان این هدف و شرط را محقق کرد؟ چون اگر این هدف محقق نشود طبعاً بیش از پیش ضربه خواهیم خورد و عملاً به عقب‌تر خواهیم رفت. پس تمام آن موارد مشروط به تحقق این شرط است و باید درباره تحقق این شرط تأمل کرد. مشکل این است که بسیاری از افراد دانشمند و دلسوز چندان جایگاهی در سیاست‌گذاری و تحلیل وضعیت ندارند. در نتیجه و با کمال تأسف ز منته برای تحقق این شرط چندان فراهم نیست.



نسخه اتمی تندروها

ارزیابی فعالان سیاسی از مواضع طیف رادیکال اصولگرایان پس از طرح اسنپ‌بک

تندروهای اصول‌گرا در مجلس تهدیدهایی را هم علیه دولت داشته‌اند. برای مثال، پیش از سفر عراقی به قاهره، حسینعلی حاجی‌دلیگانی، وزیر امور خارجه را تهدید به برکناری کرده و هم اینکه به مراجع قضایی معرفی شود. اخیراً و در آستانه سفر پزشکیان به نیویورک هم که بیژن نوباه‌وطن رئیس‌جمهوری را تهدید کرد که در صورت دیدار با ترامپ، بحث عدم کفایتش را مطرح خواهند کرد. اینکه تندروها رویاها و آرزوهای خود را می‌گویند یک بحث است و بنابر اصول دموکراسی و آزادی بیان هیچ ایرادی ندارد که افراد نظر خود را بگویند. اما بحث دیگر این است که آنها در جایگاه نماینده مجلس و در وضعیت حساس کنونی تمام تلاش خود را انجام می‌دهند که کشور را وارد مسیری کنند که دلخواه‌شان است؛ مسیری که در نهایت ایران را در نقطه کره شمالی شدن قرار دهد. در این میان مشخص نیست که تصمیم کلان نظام سیاسی برای آنها چه جایگاهی دارد و آیا اصولاً آنها ارزش و اهمیتی برای تصمیم کلان نظام سیاسی قائل هستند و یا اینکه تنها می‌گویند «راه یکی است و آن هم راه تندروی است». در ارتباط با مسائل مطرح‌شده و فعالیت تندروهای اصول‌گرا، در نظرسنجی این شماره ۴ سوال را از سه فعال سیاسی و حزب مطرح کرده‌ایم. عباس موسایی (سخنگوی دفتر سیاسی حزب توسعه ملی)، غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی (عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه) و امیررضا واعظ‌آشتیانی (عضو شورای مرکزی حزب موتلفه)، سه فعال سیاسی بودند که به سوالات مطرح‌شده توسط خبرنگار هم‌میهن پاسخ دادند.

و در این مسیر، پیشرو مطالبات عنوان شده آنها، افرادی هستند که از دل همین جریان‌ها در ضعیف‌ترین انتخابات تاریخ مجلس ایران توانستند راهی مجلس شوند و حالا عنوان «نماینده مردم» را یدک می‌کشند. در این مسیر آنها دو پیشنهاد مهم را مطرح کرده‌اند که اولین بحث آن خروج از NPT بوده که همچنان هم این بحث ادامه دارد و نمونه‌های فراوانی را می‌توان مثال زد که درباره آن گفته‌اند و پیشنهاد داده‌اند که نظام به این نتیجه برسد که از این معاهده خارج شود تا دیگر سایه سازمان بین‌المللی انرژی اتمی بالای سرش نباشد. اما در کنار پیشنهاد برای خروج از این معاهده، آنها اخیراً اقدام دیگری را هم انجام دادند که سدن آن هم منتشر شد. نامه‌ای را خطاب به شورای عالی امنیت ملی نوشتند مبنی بر اینکه زمان آن رسیده که سیاست‌های هسته‌ای نظام تغییر کرده و کشور در مسیر دیگری قرار بگیرد و برخی از آنها نیز مانند احمد نادری در توثیت خود نوشت: «بارها گفته‌ام و اکنون صریح‌تر تکرار می‌کنم: تنها راه حفظ تمامیت ارضی و امنیت ملی ایران، دستیابی به سلاح هسته‌ای است.» به عبارتی آنها صراحتاً گفتند که با توجه به تحولاتی که رخ داده، باید به سمت ساخت بمب اتم رفت. هرچند ساعاتی پس از انتشار این نامه، مقام رهبری در بخشی از سخنرانی خود گفت: «آن ۹ کشور دیگر بمب هسته‌ای هم دارند، ما هستیم که بمب هسته‌ای نداریم و نخواهیم داشت.» حالا باید منتظر ماند و دید امضاکنندگان این نامه چه نظری خواهند داشت و آیا علناً رویه‌روی نظر رهبری هم قرار خواهند گرفت؟ در کنار موضوعاتی که پیرامون خروج از NPT و ساخت بمب اتم مطرح شده،



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاست

یک اتفاق در عرصه داخلی و یا خارجی کافی است تا بهانه‌ای پیدا کرده و با صدای بلند فریاد برزند که راهی که ما می‌گوییم درست است و برای سربلند بودن، باید در مسیری که ما می‌گوییم قرار بگیرید. روش و منشی که تقریباً تبدیل به عادت برای تندروهای اصول‌گرا در ایران شده و هرگاه بخشی از قدرت را در اختیار نداشته باشند، بهانه‌یابی را برای داد و فریاد آرمان‌هایشان آغاز می‌کنند. اگر سال گذشته داد و فریاد راه می‌انداختند که چرا عملیات‌های وعده صادق ۲ و ۳ انجام نشد، پس از توافق ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قاهره و چند روز بعد، رای‌گیری شورای امنیت سازمان ملل درباره پرونده هسته‌ای ایران و به دنبال آن، با مطرح شدن بحث‌ها پیرامون احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه و اسنپ‌بک و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، باز هم بهانه پیدا کرده و روی مسائلی تأکید می‌کنند که رویای دیرینه‌شان است و عاملی برای دوقطبی‌سازی سیاسی و حمله به طیف سیاسی مقابل و دولت. طی چند روز اخیر، فضا در بین اصول‌گرایان تندرو به سمت وسویی رفته که آنها نظام سیاسی را نصیحت می‌کنند که براساس راه و روشی حرکت کند که آنها رویایش را دارند

پس از رای‌گیری شورای امنیت و مطرح شدن بازگشت تحریم‌های ایران، تندروهای اصول‌گرا تأکید می‌کنند که نظام سیاسی باید از نسخه‌های قدیمی آنها مانند خروج از ان‌پی‌تی و تغییر سیاست هسته‌ای استفاده کند، برداشت شما از این موضوع چیست و چرا روزه‌روز مواضع آنها تندتر می‌شود؟

اینکه تحریم در حوزه اقتصادی باشد یا دیگر حوزه‌ها، در حقیقت آزار رساندن به یک کشور است. من از این مساله تعجب می‌کنم که چرا ما هنوز از یکسری اتفاقات درس و عبرت نمی‌گیریم. آمریکایی که هیچگاه به وعده خودش عمل نکرده و تاریخ هم این موضوع را نشان داده که آنها همیشه طبلکار بوده‌اند و بهانه‌های مختلف را تراشیده‌اند که با ما چالش داشته باشند. همه شاهد بودند که ما در روند مذاکره بودیم که اسرائیل حمله کرد و در این حمله، حمایت اروپا و آمریکا را همراه داشتند. آیا با چنین موجودی می‌توان مذاکره کرد؟ باید عزت کشور را در نظر بگیرند؛ ضمن اینکه اصلاً این مذاکره جواب نمی‌دهد. برخی با خوش‌باور هستند یا اینکه خودشان را به خوش‌باوری می‌زنند. یا اینکه در یک مسیری حرکت می‌کنند که دشمنان نظام و انقلاب در آن مسیر حرکت می‌کنند. موضوع بعدی این است که ما اصلاً حضورمان در ان‌پی‌تی چه خاصیتی برای ما داشته است؟ ما در ان‌پی‌تی نباشیم چه اتفاقی برای ما خواهد افتاد که حالا که هستیم نیافته است. ما اول باید موضوع را مورد بررسی قرار دهیم. ما وقتی وارد یک سازوکار بین‌المللی می‌شویم، باید ببینیم چقدر برای ما سود و استفاده دارد. الان برای هم‌جا افتاده است که سازمان‌های بین‌المللی حیز انتفاع افتاده‌اند. با شرایطی که امروز آمریکا ایجاد کرده است، سازمان‌های بین‌المللی بی‌اثر هستند. به این موضوع توجه کنید که نتانیاهو به عنوان جنایتکار جنگی شناخته شده و حکم برایش صادر شده اما به راحتی سفر می‌کند. این نشان می‌دهد که سازمان‌های بین‌المللی فقط و فقط مختص کشورهایی است که زورشان به آنها می‌رسد. فلذا امروز سازمان‌های بین‌المللی هیچ جایگاهی ندارند و خود اروپایی‌ها هم از این بابت نگران هستند و نگرانی هم از این است که در آینده نوبت خودشان شود. من فکر می‌کنم که نظام اگر به این نتیجه برسد که از ان‌پی‌تی خروج کند، حتماً به نقاط ضعف و قوت آن فکر شده و براساس این نقاط، تصمیم‌گیری خواهند کرد.

است. به زبان گویای مولوی: «از قضا سر کنگبین‌شان بر صُفرا فزود و روغن بادام‌شان خشکی‌ها را افزون و نمایان ساخت. از هلیله قبض شد، اطلاق رفت و آب آتش را آمد شد همچو نفت!»

جعفرزاده ایمن‌آبادی: من نمی‌گویم



نمایندگان مردم نظر ندهند، ولی در این خصوص که خیلی مسئله، بحرانی و حاد است، به نظر من آنها از این داستان خارج شوند و این را به رهبری و شورای عالی امنیت ملی بپسارند. چون اصلاً نمی‌توان این را در مجلس جمع کرد و تبعات بسیار بدی دارد. بهترین کار این است که رهبری و شورای عالی امنیت ملی تصمیم گرفته و وزارت امور خارجه را هدایت کنند. نماینده‌ها حرف‌های احساسی و زورناهیستی می‌زنند و عاقبت نگر نیستند. می‌گویند از ان‌پی‌تی خارج شویم. می‌گوییم خارج شویم، بعدش چه کنیم؟ می‌گویند نمی‌دانیم بعدش چه کنیم. می‌گوییم ما در این دنیا زندگی می‌کنیم، باید با دنیا چه کنیم؟ می‌گویند نمی‌دانیم.

امیررضا واعظ‌آشتیانی: به اعتقاد من این پویایی فضای سیاسی کشور است که هر کسی در نهایت آزادی نظر خودش را می‌دهد. البته دلیلی ندارد که هر نظری هم درست



باشد. باید نظری مورد توجه قرار بگیرد که به واقعیت نزدیک بوده و پشتوانه کارشناسی داشته باشد. به نظر من، در شرایط فعلی، بحث مکانیسم ماشه بیشتر از هر چیزی ایجاد بحث روانی است. برخی هم در داخل، آگاهانه یا ناخودآگاه، در مسیری حرکت می‌کنند که سناریویی که رسانه‌های معاند نوشته‌اند، در همان مسیر قرار بگیرند. این جنگ روانی هم اینطور است که می‌خواهند بگویند مکانیسم ماشه به اقتصاد کشور، صدمه می‌زند و یا شرایط اقتصادی را بحرانی‌تر می‌کند ولی بیشتر بحث خرید و فروش تسلیحات و مسائل هسته‌ای است و هیچ‌کدام مربوط به شرایط اقتصادی کشور نمی‌شود ولی در هر صورت تحریم، تحریم است.

عباس موسایی: برای پاسخ به این پرسش،

ابتدا باید مبانی نظری و چارچوب گفت‌وگامانی این جریان را شناخت. در منظومه فکری و گفت‌وگامانی طیف افراطی اصول‌گرایان که



می‌توان آنها را راست افراطی داخلی نام نهاد، منافع و مصالح ملی جایگاهی ندارد. دال مرکزی این جریان ملت و کشور ایران و منافع ملی نیست، از این رو اینکه کنش‌های گفتاری و رفتاری آنها، چه تبعات و آثاری بر منافع ملی خواهد داشت، برایشان فاقد اهمیت است. هرچند به ظاهر این مواضع را برای غلبه بر دشمن، ایجاد ترس در دشمن و... اتخاذ می‌کنند، اما در واقع بخشی از پروژه و پازلی هستند که خود را نافی و عدوی آن، معرفی می‌کنند؛ زیرا در واقع دشمن صهیونیستی، برای برساختن و برجسته‌سازی پروژه‌ی امنیتی‌سازی ایران، نیازمند سخنان و مواضعی از این جنس است. این مواضع ضدیت آشکاری با راهبرد کلان نظام، پیرامون مسئله هسته‌ای دارد؛ به گونه‌ای که موضع رسمی نظام، بهره‌گیری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در چارچوب ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل و حرام دانستن تولید، نگهداری و استفاده از سلاح اتمی است، اما اینها صراحتاً خواستار تغییر استراتژی هسته‌ای هستند، خروج از معاهده NPT را تجویز می‌کنند، بدون آنکه به جوانب امر واقف بوده و پیامدهای اظهارات خود بر امنیت ملی را بدانند. از آنجا که تصمیمات این جریان در شکل‌گیری ناوضیعت کنونی سهمی اساسی دارد و افکار عمومی متوجه پیامدهای گفتارها و اقدامات آنها شده است و از طرفی پاسخی منطقی، واقع‌بینانه و مستدل و معطوف به مسائل ملت و کشور ایران، برای ارائه کردن ندارند؛ به جای پاسخ‌گویی، به فرافکنی، متهم کردن رقیب داخلی، نسخه‌های خیالین وی‌حاصل قدیمی روی آورده‌اند. تند شدن کنش‌های زبانی و گفتاری آنها، ناشی از بی‌حاصلی تجویزهای پیشین و پیامدهای مخاطره‌آمیزی است که رفتار و اقدامات‌شان برای ملت و کشور و حاکمیت ایران، در پی داشته